

## نقش مهر در سنت های شرق و غرب

تمام تاریخ عهد قدیم آسیا مبارزه برای برابری تمدن یونان و روم قدیم را با ایران نشان می‌دهد.

جنگهای بزرگ شرق و غرب کهن برای تثبیت برتری یکی از این دو قدرت بود.

ایرانیها بهنگام نخستین پیروزی خود توانستند تمدن خویش را تا شهر های ایونی و جزائر دریای اژه گسترش دهند اما در کنار دیوار های آکروپول متوقف ماندند.

۱۵۰ سال بعد اسکندر بمبارزه با امپراطوری هخامنشی برخاست و تمدنی را که ملت او از ایرانیان آموخته بود بدیارشان بازگردانید.

پارتها (اشکانیان) دو قرن ونیم بعد از یورش او بطرف سوریه حرکت کردند و «میتردات» (مهرداد اول) که خود را از نواده های داریوش میدانست تاقلمب یونان پیش رفت.

از اواسط قرن سوم پیش از میلاد ساسانیها قدرت گذشته ایران را در جهان آنروز دوباره تثبیت کردند و نا ظهور اسلام آنقدرت برجای ماند و گاهی بر یونان پیروز شد و زمانی شکست خورد اما بقول یکی از سفرای «نرسیس» که بکشور «گالر» امپراتور روم رفته بود و ملت «ایران و یونان را دو چشم تمدن کهن بشمار آورده بود» درست است که ستاره اقبال پیروزیهای ایران مدتی افول کرد اما درخشش

روشنفکری و قدرت اخلاقی و فرهنگی بزرگ ار جاودان ماند . بدانسان که حتی اسکندر برای اداره امپراطوری خود از قدرت ملت مغلوب یاری خواست زیرا به نیروی خلاقه آن مردم نیاز داشت ولی ناکام ماند و این دو ملت بصورت دورقیب در تاریخ برجای ماندند .

نزدیک ده قرن تمدن یونانی باتمدن ایرانی تضاد و تماس داشت ولی قدرت معنوی ایران همیشه این تمدن را بصورتی تحت سلطه خود نگاه داشت و حتی از مرزهای ترکستان تا چین نیز آنرا گسترش داد .

دین مزدیسنا و سپس ادیان دیگری مثل مانویان و « مندائی » ها که اساس ایرانی داشت در سرتاسر دنیای کهن رسوخ یافت .

« میتراسیسم » دینی که در دوران شرک با نفوذ معنوی خود روح انسانها را تحت تأثیر قرار داد یکی از مظاهر برجسته ایست که قدرت ایرانی بدنای غرب بخشیده است .

اشاعه مهرپرستی در سرزمین یونان و بخصوص روم قدیم نخستین گامی است که رابطه و نفوذی معنوی ایران قدیم را روشن میکند زیرا نه تنها از جنبه مذهبی در اروپا اثر گذاشت بلکه در زمان ساسانیان سنت های ملی ایرانی بر روی اقتصاد - اخلاق - سیاست و کشورداری رومیها نیز تأثیر نمود .

دربار « دیوکلس » امپراطور رومی قرن سوم درست تقلیدی بود از دربار ساسانیان و چون داماد او « گالری » امپراطور روم شد اعلام نمود که سنت های ایرانی در امپراطوری او باید اعمال شود .

در آثار مکشوفه مربوط به امپراطوری بارت ها ( اشکانیان ) و سپس ساسانیان در تمام جهات هنری اثر ( مهر ) بصورت شرقی شده اش نمایان است و حتی بدانگاه که « مهر » در روم مغلوب شد و دین مسیح بعضی از اصول اساسی او را گرفت و نگذاشت که دین مهری دنیاگیر شود در قرن سوم میلادی ( ۲۴۲ ) با ظهور مانی در زمان شاپور اول مهرپرستی بصورت تازهئی دوباره جان گرفت .

مذهب رزدشت در حقیقت يك مذهب وحدت است اما صورت ثنویت ظاهری آنرا « پولی سین »<sup>۱</sup> و « کاتار »<sup>۲</sup> ها در اروپا رواج دادند .

۱ - پولی سین در یونانی به معنی پاک و منزه است و آنان اعضای يك فرقه مسیحی بودند که میخواستند انجیل را بصورت ساده ب مردم بقبولانند و دو منشاء اساسی یعنی نیکی و پدیی را -

درزمینه تأثیر مهر در این فرقه‌ها باید جنبه اساطیری و رابطه‌ایکه با مذهب دارند مورد بحث قرار دهیم زیرا منش و سجه اسرار آمیز «ایزیس»<sup>۱</sup> و «سراییس»<sup>۲</sup> کاملاً قابل انطباق با (مهر) است ولی متأسفانه چون منشاء میترا بطور دقیق روشن نیست و فقط ایرانی بودن او محرز است نمیتوان رابطه‌ایکه جز در زمینه معنوی بایکدیگر دارند مورد بحث قرار داد. تنها «پلوتارک» در دو سطر توضیح داده است که دریا- زنان سیسیلی که به آسیای صغیر میرفتند مراسم مربوط به مهر را به ایتالیا آوردند و شاید مراسم مربوط به مهر نخست به میان فریژی‌ها (شمال غربی آسیای صغیر و کنار اژه) رفت و از آن پس مردم منتقل شد و یک اصل مذهبی ایرانی در میان اقوام اروپائی نشر یافت.

وجود اسم مبررات (مهرداد) در سلسله‌های «بون»<sup>۳</sup> که در زمان داریوش اول کشورشان ساتراپ نشین ایرانی بود و «کاپادوکیه»<sup>۴</sup> و ارمنستان و «کوماژن»<sup>۵</sup> که یالئی در آسیای صغیر بود و شجره‌نامه موهوم آنان به هخامنشی‌ها میرسد مراسم وابسته به (مهر) را بصورت مذهبی اجرا میکردند.

در «نمرود داغ» دریکی از معابر کوماژن‌ها تصویر برجسته بلمست آمده که میترا دست راست خود را به «آنتیو کوس»<sup>۶</sup> پادشاه آن سرزمین داده است.

قبول داشتند و تمام قدرت کلیسا را میکوبیدند و آدابی خاص برای تنزیه روح بعمل می‌آوردند. در قرن هفتم در تواحی ارمنی نشین تعداد آنان زیاد شد و تا قرن دوازدهم مبارزه آنها ادامه داشت.

۲ - کاتارها- ملحدان قرون وسطی هستند که در قرن ۱۱ میان اسلاو پیدا شدند و تا مقدونیه نفوذ خود را گسترش دادند و سپس در ایتالیا- فرانسه- آلمان رخنه کردند.

۱- ایزیس الهه یزشکی و عروسی و کشت گندم و بافندگی مصری است که با شوهرش «اوزیریس» و پسرش «هوروس» تثلیث مشهور مذهب مصریها را بوجود آورده‌اند.

۲- سراییس یا «ساراییس» یکی از فرمانان مصری است که با گاو مشهور «آپیس» تشبیه گردید و سپس بصورت (اوزیریس- آپیس) یا «اوزاراپیس» مشهور گردید بصورت علامت خورشید و بعنوان سمبل شناخته شد و یونانیها او را بصورت «پلوتن» یا «اسکولاپ» و گاهی «زوپیتر» می‌شناسند و باروری آبهای نیل را مربوط با او میدانستند.

Font - ۳

Capadoce - ۴

Commagène - ۵

Antiochus - ۶

« میتریاسیسم» (Mithriacisme) بیشتر در دوران «پومپه»<sup>۱</sup> مرد مشهور روم (داماد سنار که بدست پتولمه پادشاه مصر ناجوانمردانه بقتل رسید با وجودیکه بار پناهنده شده بود) قدرت یافت و در جنبه‌های مذهبی و اخلاقی مردم آناتولی رسوخ پیدا نمود و غاری نزدیک «تراپزوس» که بنظر میرسد معبد میترا بود و امروز کلیساست مؤید نفوذ مهر پرستی در آن سرزمین است.

در دوران هخامنشیان مشرق آسیای صغیر جزو مستعمرات ایران بشمار میرفت و فلات آناتولی مرکز پرورش اسب‌های نجیب بود که برای سربازان جنگاور ایرانی آماده می‌شد و همه این آرتش‌ها که از مردم ارمنستان و «کاپادوس» و «یون» تشکیل شده بود مهر پرست بودند و مهر را بک نبوغ حمایت کننده برای جنگجویان خود میدانستند و بهمین جهت در دنیای روم کهن (مهر) خدای شکست ناپذیر است که سربازان ایرانی را حمایت میکند.

غیر از طبقه نجای ایران کهن - روحانیون نیز مهر و ستایش او را تبلیغ میکردند و مغان بعنوان «پی‌رت‌ها»<sup>۲</sup> (روشن کنندگان آتش) پرستش مهر را همه جا رواج میدادند و مانند یهودیان با وسواس خاص سنت‌های ملی خود را نگاه میداشتند و آداب مذهبی را عمل میکردند و حتی مراسم قربانی پی‌رت‌ها را «استرابن» کاملاً توضیح داده است.

در این مراسم روشن کردن آتش برابر معبد میترا و حمل تبر مقدس (باشاخه های درختان مقدس) که بنام «بارسمن» یا «برسمن» خوانده میشد و مراسم نذر شیر - روغن و غسل و اینکه تنفس زائران شعله مقدس را نلرزاند اجرا میگردد.

قدرت اهورا مزدا در میان مهر پرستان همگام زئوس در یونان و ژوپیتر در روم کهن بود که نیروئی آسمانی بشمار میرفتند.

وهومنه (اندیشه نیک) امرتات (جاودانگی و بی‌مرگی) که جزو امشاسپندان حضرت زردشت بودند مقامی همگام (مهر) داشتند ولی آنها بتا الهه آبهای بارور و (آتر) مظهر آتش از میترا پائین تر بودند.

کلدانی‌ها در برابر مذهب زردشت سنت‌ها و رسوم مذهبی تازه‌ئی ابداع کردند

Pompée - ۱

Pyrèthes - ۲

که بیشتر جنبه اختری و سامی داشت و حاصل تجربیات عمیق علمی آنها بود که در برابر اسطوره‌های طبیعی ایرانی‌ها قرارداد داده بودند.

اهورا مزدا به Bêl بل - آناهیتا به ایشثار (Ishtar) - میترا به خدای خورشید تشبیه شدند ولی رابطه میترا با «شماش» از جهت اختری باعث شد که در اسرار و «مستر»های رومی میترا (سل - انویکتوس) (Sol Invictus) یعنی (خورشید شکست ناپذیر) نامیده شود.

معتقدات سامی‌ها و مردم آناتولی با سنت‌های ایرانی در زمینه‌های نور کاملاً شبیه و حتی مخلوط شده و در معابد این سرزمین‌ها شباهت یاد شده چشم گیر است. در روم «ژوپتر کائوس»<sup>۱</sup> در رأس قرارداد و «ژوپتر - دلی کنوس»<sup>۲</sup> معابدش در کنار معابد مهر قرار گرفته و رابطه بسیار نزدیک با او دارد.

مذهب مهر در اصل اختلاطی از معتقدات ایرانی با حکمت الهی سامی و سنت‌هایی از رومیان و مردم آسیای صغیر بوده است. ولسی یونانیها بعداً اسامی خدایان ایرانی را در بعضی از اسرار خود وارد نمودند و حتی در زمینه‌های فلسفی و دینی این اصول را بخود نسبت دادند زیرا اصول مربوط به طبیعت (فیزیک) و ماوراء الطبیعه (متافیزیک) آنان مستقیماً از سنت مغ‌های زردشتی گرفته شده است ولی در پرستش مهر (میترا) همه‌جا ایرانی بودن آن چشم گیر است و دامنه نفوذ او در آسیای صغیر و تا کرانه‌های دانوب و «رن»<sup>۳</sup> و حتی انگلستان و صحراهای سوزان عربستان و سواحل مدیترانه همه‌جا کشیده شد تا جایی که سال ۳۰۷ «دیوکلسین» و «گالری» (لی‌سینیوس) در «کارنون توم» کنار دانوب متحد شدند و معبدی برای مهر (حامی امپراطوری خود) بنا نمودند.

اکنون که بقدرت مهر آشنا شدیم شایسته است از جهت اجرای سنت‌ها نیز او را توجیه کنیم. مهر که مظهر نور و قدرت در مذهب زردشت است در غرب خدای حقیقت و عدالت است. او نقش آپولون زردشت را ایفا میکند با این تفاوت که آپولون با اینکه خدای نور و روشنایی است با اندازه مهر جنبه اخلاقی و عرفانی و معنوی ندارد.

Jupiter Caelus - ۱

Jupiter Dolichens - ۲

Rhin - ۳

مهر باسدار قسم راست است و پاکی روح برای او قدرت اولیه انسانی بشمار می‌رود و «دراسرار میترا برخلاف سایر سنت های شرقی او را همه جا منزّه از آلودگی جسمی و روحی می‌بینند» .

اوزبیریس شوهر ایزیس است . آتیس، عاشق «سی‌بل» است همه بعل‌های سوریه دارای همسر و روابط جنسی هستند حتی خدایان اولیه المپ از این نقیصه برکنار نیستند .

فقط میتراست که تنها زندگی میکند. تقوی روحی و جسمی او و تقدسش بی‌همتاست و در جهانی که بدی و خوبی در دو امپراطوری بزرگ خود مبارزه جاودانی دارند مهر خدای روشنائی و تقوی و نگهبان سعادت انسانی است.

انسان - حیوان - نباتات و حتی جمادات قربانیان این دو نیروی متضاد هستند که قرن‌ها و قرن‌هاست باهم مبارزه مینمایند اما مهر راهنمائی است که مریدان خود را حمایت میکند تا بر پلیدیها دست یابند و بدانگاه که زمان موعود فرارسد مهر از آسمان بزمین خواهد آمد و نیکان را جاودان خواهد ساخت و پلیدان در دیار اهریمنان بآتش خواهند سوخت .

در غرب مانند شرق «میترا» ایزدی پر اراج است و با اینکه محور اصلی هیچ دین امروزی نیست ولی تأثیرات عمیق او بر روی بعضی مذاهب نشان دهنده قدرت اوست .

توجه به تمدنی که لااقل سه تا چهار هزار سال قبل از مسیح وجود داشته و نزدیک بیک قرن و نیم پیش از میلاد آن تمدن است بخصوص وجود «ریگ ودا» سند زنده‌ای از تمدن کهن هند و ایرانی است که برای ما از سه جهت در خور اهمیت است .

اول اینکه این کتاب بتاریخ جهان بستگی دارد و دوم نشان دهنده تاریخ هند است که تمدن و فرهنگ آن از بسیاری جهات همگام و همانند تمدن ایرانی است و سوم اینکه «ریگ ودا» از بسیاری جهات بسا فرهنگ ایران باستان مربوط است بخصوص در زمینه (میترا) و بعضی دیگر از خدایان دوران کهن آریائی و ایرانی نشان میدهد که «ریگ ودا» و پس از آن منابع دیگر آریائی چه اندازه در نشان دادن تحولات قوم ایرانی تأثیر داشته‌اند منجمله خویشاوندی زبان ریگ ودا و اوستا است که شباهت و نسبت میان زبان قدیم ایران (اوستائی) و هندی (سانسکریت) را نشان میدهد.

شباهتی که در اکثر کلمات و لغات مشترک این دوزبان وجود دارد در میان زبانهای هند و اروپائی موجود نیست و تنها اختلاف اصلی زبان ریگ ودا با زبان اوستا بعضی مشخصات معلوم لفظی است و بهمین جهت است که زبان سانسکریت (زبان ریگ ودا) و زبان اوستا بمنزله دو گویش منشعب از یک زبان مادرشاهی (هند و ایرانی) شناخته میشود .

دوتیره آریائی «هند و ایرانی» واحد مشترک فرهنگی را تشکیل میدادند و از نظر مذهبی و ستایش خدایان بخوبی بهنگام مقایسه «ودا» ها با «اوستا» فصول مشترک آنان روشن میشود.

بنظر میرسد پیش از آنکه طوایف آریائی هند و ایرانی بفلات ایران برسند تابع یک فرهنگ مادرشاهی قدیمتر بوده اند و سکنه قسمت های کوهستانی این سرزمین مانند سکنه هندوستان خدایان مارمانندی را ستایش میکردند که با مقایسه خدایان یونانی میتوان رابطه مستقیمی بین این سنت ها پیدا نمود زیرا فرزندان اولبه ( اورانوس - گایا ) اگر مستقیماً بازمین رابطه داشته باشند شکل مار را دارند .

عواملی که باعث انشقاق این دوتیره شده روشن نیست اما در دوران هخامنشیان قسمتی از هندوستان تابع ایران شد. در ریگ ودا بهنگام ذکر از « پرتهو - پرشوه » Prithu-Parshavah میتوان فهمید که اشاره به (پارت) ها و (پارس ها) است. نکات مشابهی نیز در مذهب و آئین باستانی آریاهای دو کشور بخوبی آشکار است مثلاً «آریاها» اهورا را خدا میدانستند در حالیکه هندوها «اسورا» را دیو تصور مینمودند و «اندرا» برای ایرانیان نام دیوی بود در حالیکه برای هندی ها خدائی است که ۲۵۰ سرود در ستایش اوستا ساخته شده است. در مذهب اولیه هند و اروپائی خدایانی را که مظهر طبیعت بودند مانند: آسمان - خورشید - باد - آتش ستایش میشد. اما آریاهای هند و ایران علاوه بر پرستش آتش دارای کیش «سووما پرستی» «هئوم» بودند و علاوه بر خدایانیکه مظهر طبیعت بشمار میرفتند بخدایان غیر محسوس هم عقیده داشتند .

در حدود ۱۴۰۰ سال ق . میلاد مسیح خدایان دنوا Daiva نظیر اندرا و «ناساتیا» Nasatia در ردیف خدایان اسورائی (اهورائی) یعنی : وارونا و میترا قرار گرفتند و این مسئله نشان دهنده حقیقت بزرگی است که مدتها قبل از پدید زرتشت این اختلاف بین پرستش خدایان «اسورائی» - دیوائی» وجود داشته است

شاید علت جدائی یا یکی از علل جدا شدن آریاها همین اختلاف میان پرستندگان خدایان جدید و خدایان قدیم باشد .

در سال ۱۹۳۵ میلادی سنگگ نوشته‌ئی از دوران خشایارشا (۴۶۵-۴۸۶ قبل از میلاد) دربارهٔ دیوپرستی کشف شد که نشان می‌دهد در قرن پنجم قبل از میلاد شاهنشاهان هخامنشی با دیوپرستی مبارزه می‌کردند درحالی‌که در هندوستان (اسورا-اهورا) به احترام تلقی شده است .

پس از یک‌دوره کشمکش بین اقوام ایرانی و هندی دوستی برقرار شد بطوریکه ایندرا در ریگ ودا یکی از «آسوراها» شناخته شد و او را صاحب نیروی «مایا» که مختص «اسورا - اهورا» است شناختند یعنی قدرت جادویی باو داده شد. تا ظهور زردشت قدرت «مایا» شبیه مقام بودا در هند و ارفه در یونان بود که عملاً با کشتن حیوانات در مراسم مذهبی و بنام‌بندوب معترض بودند اما شدت اعتراض آنها به اندازه زردشت نبود .

زردشت در گانه‌ها جشنهای عامیانه را که از افشره هئوم سرمست میشدند و خون حیوانات را بخدایان تقدیم می‌کردند شدیداً محکوم کرده است.

تعداد زیادی از کلمات و لغات ودائی و اوستائی در هر دو زبان مشترک و شبیه هستند مثل :

هئوم (سئوم) انشوره مقدس

زائونر (هوتا) - ( نام موبد بزرگ که بتنهائی یا با ۷ موبدگهان را میخواندند )

آنهرون (آذربان)

مانتر (اندیشه)

یزت (قابل پرستش)

آزوئی ئی (چربی - فراوانی - انبوهی)

آئی ریامان (برادر روحانی - مقام موبدی)

ایشون (مطلوب - آرزو)

ضمناً باید یادآور شد که تمام مراسم ودائی - اوستائی از یک ریشه و اصل هستند بطوریکه نوسازی زردشت توانست حتی پرستش (سئوم) (هئوم) را که یکی از خصوصیات ودائی است و تا مدتها قبل از زردشت مرسوم بوده از بین



برود . ولی قدرت زردشت در جنبه‌های میتولوژی و مذهب موفق‌تر بوده است .  
 تعداد رسمی ایزدان در ودا و اوستا تقریباً یکسان یعنی ۳۳ است و پرستش  
 بت‌ها در این دو اثر بهیچوجه وجود ندارد . «وارونا» در ودا» که برابر اهورا است که  
 بیاری میتره Mitra در اوستا Mithra میثرا حافظ اعلای قانون و اخلاق است . تصور  
 نظم کیهانی در هر دو مورد بصورت ایزدی معنوی که در «ودا» بنام «ریتا Rita» و  
 در اوستا با اسم «اشا Aša» خوانده میشود متصور است حتی اختلاف شدید بین  
 ( اندرا )ی «ودا» و « اندرا »ی اوستا اگر بتاریخ این ایزد که پرنسور بنویست  
 Benveniste «ولوثی رونو L. Renau» نوشته‌اند توجه شود بکلی از میان می‌رود .  
 شواهد زیادی در دست است که نوآوری زردشت بهیچوجه رابطه با گذشته  
 را قطع نکرده بلکه اصول مذاهب «اسورا» - «اهورا» را مستقر ساخته و آنرا از  
 پلیدی دیوان پاک نموده است و خدای بزرگ اسورا یعنی وارونا را به «اهورا -  
 مزدا» تغییر داده است .

در هر حال بین (ریگ ودا) و (اوستا) يك رابطه معنوی وجود دارد که نماینده  
 ارتباط فکری مشترك است . قسمت مهمی از سرودهای ریگ‌بید در ستایش خدایان  
 مختلف مثل سوریا آفتاب آگنی Agni ، آتش دیوس Dyaus آسمان - ماروتس  
 Maruts طوفان - وایو Vayu باد - اوشا Uša سپیده دم - پریت هیوی Prithivi  
 زمین و خدایانی نظیر اندرا - وارونا - میترا - آدیتی - ویشنو که منسوب به پدیده‌های  
 طبیعت هستند ستایشگری خاص ندارند و بخصوص آنچه مورد نظر ما است یعنی  
 میترا (مهر) مقام ارجمندی در سنت‌های کهن آریائی دارد .

نخستین اثری که در زمینه شناسائی مهر وجود دارد ، در کتاب «وید» است  
 که قدیمترین کتاب مذهبی دنیا است و او را فرشته راستی و درستی و پیروزی معرفی  
 کرده است .

در خطوط میخی که بصورت سنگ نوشته در ناحیه کاپاتوکا Kapiluka (در  
 آسیای صغیر) بدست آمده نشان میدهد دسته‌ئی از «هیتی»ها در مبتانی (شمال عراق  
 امروزی) میترا - وارونا - اندرا - و نازاتیا را که خدایان مشترك هند و ایرانی هستند  
 می‌پرستیده‌اند . در تورات این قوم بنام «هاختی Hakhti» یاد شده‌اند و مادر سلیمان  
 که داود بخیانت او را از دست شوهرش گرفت از این قوم است و آنان مانند ایرانیها  
 خدا را «بغ» می‌گفتند .

( در اوستا و در پهلوی بگگ و بنگ و در فارسی باستان بگگ ) .

«مهر» در اوستا و در کتیبه‌های پادشاهان هخامنشی (قرون ۷ تا ۴ ق. م) «میترا»  
و در سانسکریت «میترا» و در پهلوی «میترا» آورده شده و نامهای بی‌شماری از  
امکنه و اشخاص با این کلمه که ( ایمان - محبت - خورشید ) معنی میدهد ساخته  
شده است .

خزانه‌دار کورش کبیر ( میثردات نام داشته زیرا مهر فرشته‌ئی از فرشتگان  
دین زرتشتی بوده و مقام ارجمندی داشته است در حال حاضر نیز پرستشگاه  
زردشتیان (مهر) نامیده میشود. اقوام هندو کلمه میث Mith را که ریشه مهر است  
بجائی پیوستن یا فرود آمدن معنی کرده‌اند .

مورخ مشهور «یوستی» مهر را واسطه میان فروغ محدث و روشنائی جاودان  
شمرده است یعنی در حقیقت مهر واسطه میان خدا و بندگان او است .

در گاتاها که قدیمیترین قسمت اوستا است از کلمه میثریاد شده اما نه بمعنی  
فرشته بلکه بمفهوم وظیفه مذهبی و دینی .

در فرگرد چهارم و نندیداد بهنگام صحبت از پیمان‌شکنی کلمه میث بمعنی عهد  
و پیمان آمده و در یشت دهم که مخصوص این فرشته است میثرو - درج - Mithro  
Druj که بمعنی دروغگوی بهمر است (پیمان‌شکن) صحبت شده و در سانسکریت  
نیز میث بمعنی دوستی است همچنانکه در وید برهمنان مانند اوستا او را پروردگار  
روشنائی و فروغ شناخته است .

خدایان ۷ گانه هندی که مانند ۷ امشاسپند هستند ولی نام آنان با نرسیده  
است و فقط به آدی‌تیا Aditya یعنی پسران آدیتی موسوم هستند و غالباً نام وارونا  
و میترا در آنها تکرار شده است .

تقریباً قسمت اعظم ماندالای پنجم و هفتم از رگگ بید در ستایش (میترا) و  
( وارونا ) است همچنان مهریشت با ستایش مهر دارنده دشتهای پهن و کسی که  
از کلام راستین آگاه است و زبان آوری که دارای هزار گوش است و خوش اندامی  
که دارای هزار چشم است. بلندبالائی که در بالای برج پهن ایستاده زورمندی که بی-  
خواب پاسبان است اختصاص یافته است.

«میترا» در رگگ بید مانند «میترا» در اوستا پاسبان راستی و پیمان است ولی از نظر  
قدرت معنوی باندازه « اندرا Indra » و « ساویترا Savitar » اهمیت ندارد و بحقیقت

میرای اوستائی را باید با «وارونای» ودا همگام دانست زیرا درسرودهای هندی نیز اکثراً با یکدیگر ستایش میشده‌اند .

نقش مهر بعنوان پاسبان راستی باعث شده است که شاهنشاهان هخامنشی سوگند مقدس خود را با او آغاز میکردند همچنانکه در سنتهای کهن یونانی رودخانه دنیای ارواح یعنی « استیکس Styx » مورد قسم برای خدایان المپ بوده است .  
گزنفون وپلو تارك اهمیت مهر را در قدرت و نظارت بر راستگویی شناخته‌اند .  
پلو تارك مهر را واسطه میان فروغ ازلی و طلعت اهریمنی میداند .

« هرودت » نیز مقام مهر را همگام زئوس شناخته است .

« ژرژ دومزیل » بهنگام مقایسه در کتاب « خدایان هند و اروپائی » نقش جانب این خدایان را بدین طریق توجیه کرده است .

« و هومنه » چهار پابان اصلی را حمایت میکند همانگونه که میترا خداوند دشت‌های پهن است آشا Aša هم سان « ریئا » ودائی است که نمودار ( راستی - درستی - حق - عدالت - شجاعت - نظم - قانون الهی تجسم راستی ) است و ( وارونا ) نگهبان او بشمار می‌رود ( وارونا ) آسمان محیط بر همه چیز نام يك « آدی پتا » است که خدای شب است همچنانکه میترا خدای روز است - وارونا یکی از کهن‌ترین خدایان دوره ودائی است . صفاتی که باین خدا اسناد شده بهیچ خدائی داده نشده است . « خنتر » هسان « کساترا » ی هندی است که ایندرا او را حمایت میکند . ( ایندرا ریشه کلمه اش کاملاً روشن نیست ولی خدایان جو آسمان موکل باران و معادل برجیس یا پلوویوس Pluvios رومی است . )

در افسانه‌های ودائی - اندرا پادشاه ایزدان جو است که باصاعقه ینی اسلحه خاص خودش ضد دبوهای تاریکی و خشکسالی جنگیده است « هئورتات » و « امرتات » هسان دو « ناساتیا » بوده‌اند .

در سانسکریت اغلب بجای « آشرین » نام دیگر آن ناستیه بصیغه جمع بگر رفته است .

واژه ناستیه بگفته بعضی از مفسران ریگ‌ودا مشتق از « نا × آسانیا » « عاری از نادرستی » است و جالب اینکه بنابر اساطیر هندی « اشوین » نام دو خدا یا در ایزد موکل است که پسران آفتاب توصیف شده و از مادر بصورت اسب زائیده شده‌اند و هنگام سپیده‌دم با ارابه زرین در آسمان ظاهر میشوند .

مقایسه «اشوین» با «آپولون» یونانی کاملاً در این زمینه مورد پیدا می‌کند بخصوص اینکه صفات زیبا چهره - خوش اندام - تابان نیز همان صفات آپولون است و عجیب اینکه اگر اهورا مزدا و آرمیثی را از لیست حذف کنیم عیناً مقایسه خدایان میثانی بدست می‌آید.

وهومنه - میترا

اشا - وارونا

خشتر - اندرا

هئورتات - امرتات - دونازاتیا

و در این لیست سه عنصر اصلی اجتماعی یعنی :

اقتدار و فرمانروائی - جنگ - باروری مشهود است.

ارمیتی در این طبقه بندی با «آناهیتا» همان است که او نیز بنوبه خود ربه‌النوع باروری است .

اهورامزدا که در قدیم «سپنتامیثی-یو» یعنی (منش مقدس) خوانده میشود خدای بزرگ خلافت است. جای وهومنه گاهی و «اشا» تغییر می‌کند و «اشا» بزرگ - ترین فرد امشاسپندان میشود ولی در هر حال وهومنه در رأس قرار دارد. تقدم اشا (راستی - عشق) مانند «وارونا» در سنتهای هندی است در حالیکه وهومنه از مهر در ترکیب (میترا - وارونا) پائین تر است.

اندیشه تثلیث اجازه میدهد که زمین - آب - گیاهان به آرمیثی (فرمانبرداری) هائوروات ایزد کمال امرتات (جاودانی) وابسته می‌شوند و آتش به اشا منسوب می‌باشد .

در گانا (یسن ۴۳ - بند ۹) اشا بآتش فلک قربانی وابسته است.

اندیشه تثلیث بدین طریق نیز توجیه شده که وهومنه نگهبان گاوهاست همچنان که مهر دارای دشتها و چراگاههای وسیع است. «خشتر» مظهر جنگجویی و فلزات که از آن اسلحه می‌سازند در اختیار اوست. در اوستا این تثلیث بصورت سروش - رشن - مهر دیده میشود و تأثیری که میترا ایسم در دین مسیح بر جای گذاشته کاملاً مشهود است .

در غرب مانند شرق میترا ایزدی پر ارج است و با اینکه محور اصلی هیچ دین امروزی نیست ولی تأثیرات عمیق او بر روی بعضی از مذاهب نشان دهنده

قدرت معنوی اوست .

در حقیقت رابطه «میترائیسم» و مسیحیت مسئله تمدن بشری و در زمینه مذهب مطرح میکند و مسائل روحی و اخلاقی و تمنیات معنوی انسان قرون گذشته را روشن میسازد .

اندیشه اعتقاد بخدا - نیاز بقدرتی که خدا و انسانرا بیکدیگر مربوط سازد و مسئله معاد مطالبی بود که انسان عاقل و مختار را بسوی مذهب میکشانید . این خدای قادر در اساطیر یونانی و مصری و آریائی عناوینی گوناگون داشت و ایرانیها این قدرت را در اهورمزدا که میتوان همگام (کرنوس - ساتورن) یا حداقل (زنوس - ژوپتر) دانست - مجسم می نمودند و میترا چنانکه اشاره کردیم نقش مسیح موعود را که مبشر سعادت جاویدان بود ایفا میکرد . بیا خیر بشریت هدف نهائی «مهر» بود و میتوان چنین نتیجه گرفت که آئین مهر در شرق و دین مسیح در غرب ناشی از يك جنبش فکری واحد یا مشترك بود و با این تفاوت که بنا به لوحه های بدست آمده در بغار کوی سال ۱۹۰۷ نام میترا از ۱۴ قرن پیش از مسیح در پیمان بین اقوام «ختی» که همان «هیتی»ها باشند و همسایگانشان «میانانها» دیده شده است .



اکنون به بررسی نقش مهر در فرهنگ مغربزمین و تأثیر مهرپرستی در یونان و روم و مقایسه سنتهای آن میپردازیم . چنانکه اشارت رفت زمینه اساطیری در تمام سرزمینهای عهد کهن هند و اروپایی و هند و آریائی دارای فصول مشترکی هستند که با عوض کردن نام خدایان، نیمه خدایان، قهرمانان میتوان همگامی و همداستانی معنوی و استعاری و عرفانی آنانرا در دوران شرك و سپس طلوع وحدت مجسم نمود .

«مهر» دیرزمانی است که در فرهنگ مغربزمین نیز مورد مطالعه قرار گرفته و در سری آثار تاریخی و مذهبی و مردمشناسی و فلسفی و میتولوژی جایی درخشان برای خود گشوده است. «ژرژ- دومزیل G. Dumézil» با کتاب خود تحت عنوان «زردشت» راهی در شناخت «مهر» گشود .

استادان و محققانی چون «کای بار Kaj Barr» - «پردومنس - Le père de»

«Menasce»، «ماریان موله Marijan Molé» و «ماریک Maricq» در زمینه مذاهب و اساطیر - «ادیت پرادا Édith Prada» در باستانشناسی و تصویرشناسی - «گبل Göble» و «میلز Miles» در تحقیق سکه‌های مربوط به «میترا» - «نوک Nock» و «شوابل Schwalabe» در رابطه فلسفه و مذاهب یونانی با مهر آثار جالبی بیادگار گذاشته‌اند.

رابطه‌ایکه سنتهای آریائی ستایش «مهر» در ایران و هند بر جای نهاده آنقدر نزدیک است که گاهی انسانرا باشتباه می‌اندازد که کدامین در این بزرگداشت بردیگری اولویت داشته‌اند.

رابطه «وارونا» - (وارونا در سانسکریت ابتدا «دیاوه Dyauh» بود که همان ریشه «دئوس Deus» لاتینی و «دیو» فارسی و «دیو Dieu» فرانسوی است و در حقیقت وارونا نقش اورانوس را بعهدده دارد) و میترا در اغلب سرودهای «ریگ‌ودا» بخصوص در «ماندالای» پنجم وهفتم جالب توجه است.  
(ماندالادر سانسکریت بقرص وهاله ماه اطلاق میشود و ضمناً یکی از ده قسمت ریگ‌ودا است یعنی رگ‌بید به ده ماندالا که جمعاً ۸۵ آنوواکا (درس) است تقسیم میشود).

این رابطه را میتوان بسان رابطه «اشا Asha» و «وهومنه» دانست زیرا «وهومنه» نگهبان گاوان است. و «مهر» در «مهریشت» همه‌جا صاحب دشتهای وسیع است که گاوان آنها را آماده بهره‌برداری میکند (کسرده ۹ صفحه ۴۴۳ - ادبیات مزدیسنا - پورداود).

منش جنگجویانه «مهر» نیز در کرده‌های «مهریشت» بخوبی توجیه و توصیف شده و چنین آمده است: «کسی که جنگ را برانگیزاند - کسی که بجنگ استحکام بخشد - کسی که در جنگ پایدار مانده صفوف (دشمن) را از هم بلرد (کرده ۹۵).  
در «اوستا» بهنگامیکه از «میترا - اهورا برزنتا» صحبت میشود «اهورا» نقش «وارونا» را در سنتهای هندی ایفا میکند که همان «اسورا» یعنی ولی نعمت و بزرگ است.

کلمه «مزدا» بمعنی خرد یا دهنده خرد است و این صفت شبیه صفت «مدهیرا Medhira» است که در هند به «وارونا Varuna» داده میشود.  
البته ذکر این مطلب دلیل این نیست که هورامزدا منطبق با «وارونا» است.

«کای بار» در کتاب «اوستا» چاپ کپنهاگ سال ۱۹۳۴ - صفحه ۳۷ و ۲۰۸ مینویسد: «اهورامزدا نه تنها همان «وارونا» است بلکه مجموعه (میترا - وارونا) بصورت «Mithra» (میترا) که صفت «مزدا» و نمودار سجایا و منش نزدیک با انسان است مشهود میگردد. پلوتارک معتقد است که هخامنشیان به «میترا» به تنهایی اعتقاد نداشتند بلکه «میترا - اهورامزدا» را ستایش میکردند.

در شهر «تاکسیلا Taxila» که در ۲۰ میلی «راولپندی» و «پیشاور» است و امروز بنام «آتاک Attack» خوانده میشود و سرزمینی در کنار سلسله کوههای هیمالیا است بهنگام دولت «کوشانها» آئین مهرپرستی ایرانی در آن سرزمین هندو رواج یافت و کاوشهای باستان‌شناسی این نفوذ را تأیید کرده است.

در «تاکسیلا» معبدی یافت شده است که مربوط بدوران قرن چهارم قبل از میلاد است و کاملاً سبک یونانی دارد اما تمام آثار سنتی ایران در آن هویدا است زیرا سر در آن ابوانهائی هست و برای اجرای آئین مذهبی مربوط بسنایش آتش محراب شبیه محرابهائی که در ایران ساخته شده دیده میشود و مسئله مهم این است که هنوز کاوشگران نتوانسته اند راه و علت نفوذ این مذهب را در آن سرزمین دریابند نفوذ «مهر» در سانسکریت بخوبی روشن است و چنانکه یادآور خواهیم شد سرودهای بیشماری در «ریگ‌ودا» در ستایش مهر دیده میشود.

بنابراین کتاب «بهاویشیا پورانا Bhavisiya Purana» ستایش «مهر» درها بوسیله مغها رواج یافت و آنان خود را فرزندان «میترا» میخواندند و یکی از آه بنام «میهرامشو Mihiramshu» یعنی (فروغ مهر) به اشاعه مهرپرستی در مشغول شد.

در سنتهای هندی - هشت نفر همراه «مهر» هستند که دونفر از آنها یعنی «راجا روشن» و «سرتوس - سروش» منشاء ایرانی دارند.<sup>۱</sup> جالب اینکه معابد بسیاری بخاطر مهر در هند ساخته شده که حفاریات باستان

۱- رشن (سروش) و مهر اغلب در پشت‌ها با یکدیگر نام برده میشوند و این سه فرشته مناسبات مخصوصی باهم دارند و همدیگر را یاری میکنند. مهر در درجه اول سروش دوم و رشن در مرتبه سوم هستند - پشت ۱۲ مخصوص رشن است که فرشته عدالت بشمار میرود و هشتم: تمیس، یونانی است - سروش بمعنی اطاعت آمده و گاهی او را آخرین هخامنشیان شمرده اند در پشت ۴۳ ندرت او را در اعمال روز واپسین مؤثر دانسته و در اوستا بجای سه دیو و هورغ تعریف شده است.

شناسی آنرا روشن ساخته است. مغ‌ها سالیان دراز باشاعهٔ مهرپرستی در هند پرداخته و بخصوص در سرزمین «ساکاس Sakas» هندی‌هائیکه بنام «سئورا Saura» یعنی ستایشگران خورشید معروف بودند و آئین مهر را ترویج مینمودند.

وجود «مهر» نجات‌بخش در هند و رابطه‌ایکه با آئین مهرپرستی در ایران دارد توسعه «بودیسم» را تأیید میکند و تقریباً بنا بگفتهٔ «پرزیلوسکی Przuluski» در کتاب «اعتقاد بمسیح موعود در ایران و هند» (یعنی همان سوشیانت موعود و مزدیسنا) چاپ ۱۹۲۹ صفحه ۱۵ نوشته است:

«داریوش بهنگامیکه پنجاب را تصرف کرد اندیشه‌های ایرانی بسرعت در هند رواج یافت و «میترا» بصورت «مسیح ایرانی» یا «مائیتریا Maitreya» که بعدها «بودا» نیز نامیده شد مشهور گردید اما در واقع «مائیتریا» سیمای واقعی «بودیسم» در قرون اولیه نیست و وجه اشتراکی با مذهب ایرانی ندارد (در اساطیر بودائی «مائیتریا» قدیمترین فردی است که مورد ستایش بوده است) و دانشمند مشهور «اسپونر Spooner» گمان کرده است که با این کار تاریخ هجوم اسکندر را بعنوان يك دوره زردشتی شدن هند تعیین نموده اما نظریه او را «جاکسن Jackson» در صفحه ۳۴۱ «تاریخ کمبریج برای هندوستان - Cambridge History of India» و همچنین در کتاب «تحقیقات مربوط بزردشت Zoroastrian Studies» صفحه ۱۷۳ مردود شناخته است. پرفسور «لامت Lamotte» دانشمند آلمانی در صفحه ۳۸۹ کتاب خود بنام «آزیاتیکا - فستشرفیت - ولر Asiatica, Festschrift Weller» چاپ لایپزیک (سال ۱۹۴۵) مینویسد: «ماگمان میکنیم که توانسته‌ایم مدلل سازیم در دوره «کوشان»ها و بخصوص در زمان «کانیشکا Kaniskca» بزرگترین جنبش بصورت يك انقلاب در «بودیسم» بیک بازه و خود بخود در نقاط مختلف هند و بخصوص در شمال شرقی و ناحیه «ختن» که در آنجا پیشرفت برق آسائی نمود پیدا شد.» هندشناس نامبرده این جنبش را تحت تأثیر عوامل ایرانی شناخته و اثر مهرپرستی را در آن کاملاً مشهود دانسته است.

«فیلیوزات Filliozat» در «ژورنال آزیاتیک» سال ۱۹۵۰ تحت عنوان (مائیتریای مغلوب نشده Maitreya, l'invaincu) نوشته است: با وجود شباهت «مائیتریا» با «میترا» از نظر سنتهای کهن - مع الوصف آنان هیچگونه رابطه‌ای با یکدیگر ندارند. در «بودیسم» «آمی تابها Amitabha» بمعنی «فروغ پایان‌ناپذیر



است که» بعقیده بسیاری از دانشمندان منشاء ایرانی و مهرپرستی در آن دیده میشود. در هر حال مظاهر و سمبل‌هایی که منشأ اختری و خورشیدی در هنر بودایی دارند همه وابستگی تام به عناصر ایرانی داشته و بخصوص دانشمند معروف «رولاند Rowland» انگلیسی در اثر خود بنام «بودا و خدای خورشید» چاپ «زالموکسب Zalmoxis» سال ۱۹۳۸ و همچنین پرفسور «توچی Tucci» در اثر خود «شرق و غرب East and West» سال ۱۹۵۸ و پرفسور گهمان تحت عنوان «گنبد آسمان of Heaven» در «بولتن هنر» سال ۱۹۴۵ و «آ-ک-سوپر A. C. Soper» تحت عنوان «گنبد آسمان در آسیا» چاپ شده در مجله هنر سال ۱۹۴۷ صفحات ۲۲۵ تا ۲۴۸ و تحقیقات پرارزش «گی گریجر Geiger» تحت عنوان: «اثر روشنی رخورشید در مذهب بودا» رابطه عمیق این مذهب را با مهرپرستی روشن میکند و تأییری که سنتهای کهن آریائی و بخصوص ایرانی در آن گذاشته مورد بحث قرار میدهند.

«گرون و دل Grünwedel» در اثر خود بنام «شیطان اوستا و مناسبات او با تصاویر بودیسم در آسیای مرکزی» چاپ برلن سال ۱۹۲۴ به تأثیر «مهر» و سنتهای ایرانی این آئین در مذهب بودا اشاره کرده است.

تأییری که مهرپرستی در یونان و روم نموده از مسائل بسیار اساسی است که خود جداگانه باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد ولی بطور خلاصه سنایش مهر از سرزمین‌های ایرانی در تمام کشورهای تحت سلطه امپراطوری کهن ایران نفوذ یافت و در بعضی از سرزمین‌ها با خدایان محلی یکی شد همچنانکه (مهر) در سنتهای یونانی شبیه «آپولون» خدای نور خورشید است در حالیکه «هلیوس» خدای خورشید بشمار میرود.

بعضی از کاوشگران «هلیوس» یونانی را معادل «اهورامزدا» سمرده و برخی قدرت زئوس خدای المپ را همگام او دانسته‌اند چنانکه «آرتمیس» خواهر و دوقلوی «آپولون» را که الهه شکار است با «آناهیتا» فرشته آبهای شبرین و بارور یکی سمرده‌اند.

در بابل نیز که اقامتگاه زمستانی شاهان ایرانی بوده است «مهر» یا «شماش» (شمس) یکی تصور شد و «آناهیتا» بصورت «ایشتار» پرستش گردید ولی سجایا و

1 - Die Teufel des Awesta u. ihre Beziehungen zur ikonographie des Buddhismus Zentralasiens.

منش آریائی خود را کاملا حفظ نمود .  
بروی سکه‌های اقوام قدیم یونان در قرون اولیه میلادی کلمه «میترو» (مهر) و  
« آترو Athro » (آذر) دیده شده است .

در معابد بیشمار تمام سرزمین روم کهن مجسمه‌ها - نقاشی‌ها و حتی سکه‌های  
زیادی بدست آمده است که نفوذ «مهر» ایرانی را در دنیای غرب روشن میکند .  
نام «مهر» بسبب احترامی که داشت در اسامی پادشاهانی که اجداد خود را ایرانی  
میدانستند دیده شده است نظیر «میتردات» (مهرداد) .  
نام سه نفر از پادشاهان اشکانی (اشک ششم - اشک نهم - اشک سیزدهم) نیز  
مهرداد بوده است .

\*\*\*

نقشی که خدایان یونان و روم در «میتراسیسم» یا «میتریاسیسم» ایفا میکنند از  
هر جهت شایسته توجه خاصی است و موید این نظر مجسمه‌ها - نقاشی‌ها - معابد و  
اجرای سنتهای مهری در سنتهای کهن «هلنیسم» است که قدرت و نفوذ (مهر) را بما  
میشناساند .

در روم قدیم روز ۲۵ دسامبر را بمناسبت روز تولد (میترا ساگزینوزنوس  
Mithras Saxigenus) جشن می‌گرفتند و معتقد بودند همانگونه که رعد از آسمان  
بوجود می‌آید «میترا» نیز از سنگ زائیده شده و در تولد او « کوت Gaultes » و  
« کوتوپات Cautopates » مشعل‌دازانش که مظهر طلوع و غروب خورشید هستند  
حضور داشتند و نوعی تثلیث ( نه بصورت عنوان خاص که مربوط بحضرت عیسی  
است) را تحت عنوان «میترا - تریپلازیوس Mithra Triplasio » بوجود آورده -  
اند . جالب این است که این تثلیث در سنتهای ودائی بصورت (ایندرا - وارونا -  
میترا) دیده شده که در اصل خدایان مشترک هند و ایرانی هستند . از فرزندان اولیه  
« اورانوس - گایا » یعنی تیتانها از نام « اوکتاتوس » خدای اقیانوسهای بیکران در  
تولد «میترا» صحبت شده و حتی یاد آور شده‌اند که «ساتورن» (کرونوس - خدای  
زمان) خنجر بی باو داد که گاو نر را بکشد و این يك مسئله سمبوليك است که اصول  
تکوین عالم و انتظام آنرا نشان میدهد . رام کردن گاو نر بدست میترا و بردوش  
کشیدن او و بالاخره بردن گاو نر به غار و سپس کشتن او از جهت قهرمانی شبیه اعمال  
قهرمانان یونانی بخصوص هر کول در داستان در کشتن شیر «نمه Némée » است .

«میترا» در میتولوژی تطبیقی گاهی معادل «کاکوس Cacus» یکی از قهرمانان محلی روم است که افسانه زندگی او با سرگذشت هر کول نیز مربوط است و شاید یکی از خدایان آتش باشد (زیرا او را فرزند وولکان شمرده‌اند) این نظریه «کو مودیو Commodien» است و محققان دیگر در این زمینه چیزی نگفته‌اند.

(در تمام نقاشیهای برجها مانده «مهر» بندرت به جلونگامه می‌کند و مشعلدارانش (کوت- کوتوپات) همیشه در کنار او هستند و کلاغ پیامبر اوست و گاهی خروس که وابستگی او بخورشید در سنتهای کهن تأیید شده در کنارش دیده میشود.

(پوردادود در صفحه ۲۵۱ «مبحث سروس» در باره سگ و خروس نوشته‌است که این دو جانور در ایران قدیم محترم بوده‌اند. خروس در نزد بابلی‌ها محترم بوده و از عهد سومریها این مرغ را میشناخته‌اند و شعرا او را يك مرغ ایرانی میدانسته‌اند و در سنتهای وابسته به «آتنا» الهه عقل از خروس بعنوان يك مرغ عاقل یاد کرده‌اند. سگ واقعی خونی که از گاو قربانی ریخته شده می‌لیسند و گاهی يك دهانه آتش فشان- يك شیر نر و عقربی که با نیش‌های گازانبری خود بیضه‌گاو نر را گرن است در حالیکه چند خوشه گندم بدم او بسته شده دیده میشود.

(شیر- دهانه آتش فشان - مار - کلاغ- مظاهر آتش - آب - زمین- و هوا هستند که در میتولوژی یونانی بصورت خدایانی که نمودار قدرت‌های چهار عنصر اصلی طبیعت بشمار می‌روند خودنمایی میکنند) نقوش دیگری نیز وجود دارد که «مهر» را سوار بر اسب و مسلح به کمان در حالیکه شیری او را همراهی میکند دیده میشود.

گاهی علاوه بر شیر - يك مار نیز او را همراهی مینماید.

در یکی از تصاویر «میترا» بانیزه خود چشمه‌ئی از کوه جاری می‌سازد که البته این مسئله با میتولوژی ایرانی کمتر وابستگی دارد ولی داستان حضرت موسی و سنگ «هورب Horeb» را بیاد می‌آورد. (توضیحاً یادآور می‌شود که «هورب» کوهی است در شمال شرقی سینا و در آنجا حضرت موسی خدا را دیده و با چوبدستی خود آب از صخره کوه جاری ساخت و اعراب آنجا را جبل موسی می‌نامند) نقاشی‌های برجسته دیگری هست که رابطه میترا و خورشید را نشان میدهد و در اساطیر همه جا یادآوری شده است که هیچیک از این دو برد دیگری برتری ندارد و

اغلب غذای خود را با هم تقسیم میکردند . «میترا» برابر با « مرکور » که خورشید آنرا رهبری میکند سوار میشود و بسوی « اقیانوس » میشتابد .

خدایان میتولوژی یونان و روم نقشی بسیار مهم در میتولوژی و اساطیر وابسته به « میتراسیسم » ایفا میکنند و اشتباه بزرگی خواهد بود اگر کسی گمان کند که این خدای ایرانی در « میتراسیسم » غربی نقش اساسی ندارد .

بدان هنگام که « ژوپتر » با عقابش و اسلحه آسمانش یعنی رعد و برق نمودار میشود در میتولوژی ایران « میترا » با داس یا خنجر نمودار میگردد - ژوپتر علیه غولها و سیکلوپها مبارزه میکند - مهر علیه تاریکی و بدمنشی میجنگد . بین سنتهای وابسته به مهر یعنی اجرای مراسم مهرپرستی ( میترائیسم ) و اسرار مربوط به دیونیزوس ( باکوس ) و همچنین اسطوره « اطلس » و « میترا » رابطه معنوی وجود دارد . گنبد « میترائوم Mithraeum » در « برژیسیو Brigeto » و « اوستی Ostie » مانند غاری است که میترا گاونر را در آن کشت و از نظر سمبولیک نمودار جهان هستند که منقطه البروج و فصول چهارگانه و سیارات و هفت آسمان و هفت روز هفته و ۷ درجه آشنائی با اسرار « میترا » را نشان میدهد . سه درجه اولیه این آشنائی اختصاص به سه سیاره « مرکور - زئوس - مارس » دارد و سپس ثوبت به ژوپتر - ساتورن و بعد ماه و بالاخره خورشید میرسد .

بدینصورت خورشید عالیترین درجه برای آشنائی با اسرار مهرپرستی است و نمودار عالیترین قدرت آسمانی بشمار میرود .

آنچه مربوط بتقش میترا در اسرار « زمان » است باید به سکه‌هایی که در ناحیه « کوشان » بدست آمده اشاره کرد و پرفسور « ویکاندر Wikander » بیهوده سعی کرده است که رابطه « میتراس » اسرار آمیز را با میترای ایرانی جدا کند . مهر همیشه یک نور خورشید و اخلاق بوده است . اجرای اسرار او در سرزمین‌های گوناگون گاهی سیمائی جدا از واقعیت باو داده است ولی در هر حال مهر همیشه خدائی نجات - بخش بوده و از قرن چهارم قبل از میلاد در نام‌هایی مثل « میترو بسوزانس Mithrobouzanès » و بعضی از مهرهای عهد ساسانی این مطلب تأیید شده است ( رجوع شود به آکنا اوریانتال جلد ۱۱ - صفحه ۳۰۵ مقاله « شفتلو ویچ Acta Orienteila Schoftelowitz » قربانی کردن گاو نیز نمودار احترام بخورشید است ولی میترا همیشه نقش « سوشیانت » را که موعود دین زردشتی است ایفا میکند زیرا

( مهر ) نجات بخش زمان آخرشمرده شده است .

( دارمستر در کتاب اسورامزدا و اهریمن چاپ ۱۸۷۷ صفحه ۳۲۸ و «ویندیشمن Windischmann» در کتاب «میترا» چاپ ۱۸۵۹ صفحه ۷۳ و «کومون Cumont» در کتاب «مذاهب شرق Les Religions Orientales» چاپ ۱۹۲۹ صفحه ۱۴۷ بدین موضوع اشاره کرده اند.)

« میرستا - الیاد Mircea Eliade » استاد دانشگاه شیکاگو در « رساله‌ئی در باب تاریخ مذاهب Traité d'histoire de la religion » صفحه ۷۲ در باب خدایان ایرانی نظیر پرفسور « دو مزیل Dumézil » و سپس پرفسور « بن وینست Benveniste » را در این زمینه تشریح میکند و می‌افزاید که در دوران بسیار کهن ( میترا - اهورا ) يك خدای سنتهای ودائی بوده‌اند و در آنگام هنوز ( اهورا ) بصورت ( اهورامزدا ) نبوده و همان ( اسورا )ی هندیها است .

( میترا - وارونا ) نیز صورتی از متون ریگشودا است .

« هورتل Hortel » در کتاب ( میترا در اوستا ) «مهر» را آسمان پر ستاره و اهورامزدا را آسمان روز روشن شناخته است .

در یسنای ۳۰ و یشت ۱۳ و وندیداد پنجم از مهر بعنوان کسی که از دور بهنر میبیند و کسی که گول نمیخورد نام برده شده است .

« میترا » نگهبان سوگند راست است و قدرت آسمانی اهورامزدا را اعماء میکند و بهمین جهت میترا قدرت کامله ( دارای علم کامل ) است که ده هزار چشم و هزار گوش دارد ( یشت هفدهم ) نقاشی های برجسته و مجسمه های بیشماري که در نقاط مختلف منجمله « آنارزاربوس Anarsarbos » و « تارس Tares » بدست آمده مهر را با سرانسان یا شیر ولی با بدنی که ماری بدور آن پیچیده است مجسم میکنند . مار علامت منطقه البروج و کلبدی است برای باز کردن و بستن راه احتراق و روحها و چاربال مظهر چهار فصل و بادها نشان دهنده خدای بزرگ جهانی است و سرشیر یا مار بیاد آورنده « ایون Ion » است که « اورپید » تراژدی جالبی درباره حماسه او نوشته و نشان میدهد که دست تقدیر او را بصورت پسر آپولون خدای نور خورید معرفی کرده است .

رابطه نقاشی های برجسته مربوط به میترا کشنده گاونر و متون پهلوی که بموجب آنها کشنده گاونر باستانی را کار اهریمن میداند چیست ؟ تنها بساین نتیجه میرسیم

که میترا بعنوان کشنده گاونر در دوران کهن معروف بوده یعنی در قرن هفتم پیش از میلاد و پس از آنکه کشتن و قربانی کردن در مذهب زردشت محکوم شد این نقش بعهد اهریمن گذاشته شد .

اخیراً پرنسور «گرشویچ» در کتاب خود بنام «سرودهای اوستا درباره میترا - The Avesta hymns to Mithra»: چاپ کمبریج سال ۱۹۵۹ صفحه ۶۲ دلائل کافی آورده و نظریات پرفسور «کومن Cumont» را تأیید کرده است که : نقش کشنده گاو اختصاص به اهریمن داشته ولی بعداً به میترا تعلق گرفته است که دهنده زندگی بشمار میرفته است .

در هر حال تأثیر سنتهای کهن آریائی بخصوص ایرانی در دوره یونان مآبی بر روی مسیحیت و غنوسیون و مانویون و غیره بخوبی هویدا است .

\* \* \*

اکنون بیدآوری چند ستایشگری از مهر در اوستا و ریگ ودا میپردازیم تا بتوان مفاهیم آنرا کاملاً توجیه نمود :

کرده ۲ ( از صفحه ۴۲۷ ادبیات مزدیسنا - پورداود .)

مهر را میستائیم که دارای دشت‌های پهن است که از کلام راستین آگاه است .  
زبان آوری که دارای هزار گوش است . خوش اندامی که دارای هزار چشم است .  
بلند بالائی که در بالای برج پهن ایستاده - زورمندی که بی خواب پاسبان است ....

کرده ۳

مهر را میستائیم .... پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کسی را که جنگجویان در بالای پشت اسب بدو نماز برند و برای قوت مرکب و صحت بدن خویش استغاثه کنند تا آنکه دشمنان را از دور بتواند شناخت و هماور داد .  
را بتواند بازداشت تا به دشمنان کینه جری اندیش بتواند غلبه نمود .

کرده ۴

مهر را میستائیم ....

نخستین ایزد مینوی که پیش از خورشید فنا ناپذیر تیز اسب - در بالای کوه  
هرا بر آید (این جمله نشان میدهد که مهر غیر از خورشید است.)  
نخستین کسی که با زینت‌های زرین آراسته از فراز کوه زیبا سر بدر آورد و  
از آن‌جا (آن مهر) بسیار توانا تمام منزلگاهان آریائی را بنگرد .  
کرده ۴

مهر را میستائیم ....

کسی که هیچکس با دروغ نتواند گفت نه بزرگ خانواده ، نه بزرگ دهن  
نه رئیس ناحیه و نه شهریار ایالت .

کرده ۳۵ ( آخرین کرده )

مهر را میستائیم ....

مهری که در گرداگرد مملکت است ما میستائیم .

مهری که در میان مملکت است ما میستائیم .

مهری که در مملکت است ما میستائیم .

مهر و امروای بزرگ فنا ناپذیر مقدس - اما میستائیم - ستارگان و ماه و  
خورشید را و آن مهر را که سرور سراسر ممالک است ما میستائیم ....

از ماندالای پنجم - سرود ۶۸ ریگ ودا :

با سرودهای الهام شده - به وارونا و میترا ی خویش بسزائید .

آن خدایان ، قادر قانون اعلی هستند .

وارونا - میترا - خدایان توأم که در میان خدایان مفتخرند .... سلط شما

در میان خدایان گسترده شده است .

با آسمانهای باران ریز - وسیله‌های روان - آن خداوندان نیروهای نعمت بخش  
به جایگاه عالی رسیده اند .

سرود ۶۹ - ماندالای پنجم

سه کره نورانی وارونا - و سه آسمان و سه فلک را در بر داربد - ای میترا .

ای میترا - طوفان شما آبهای شیرین می بارد آن سه مرکب در شکوه و درخشش  
ایستاده و سه کاسه جهان را با رطوبت ناب پر میسازند .

(منظور از سه مرکب « آگنی » بصورت آتش زمینی در زمین « وایو » بصورت  
باد در فلک ، « سوریا » بصورت آفتاب در آسمان است و مقصود از رطوبت ناب  
باران حاصل بخش است .

ای میترا - وارونا - من برای سلامت و ثروت داشتن فرزندان در ایام راحت  
و زحمت نیایش میکنم .

### سرود ۲۱ - ماندالای پنجم

ای وارونا - میترا که دشمن را میکشید - با نیرو باین قربانی نیک ما بنگرید .  
زیرا شما - وارونا میترا - که فرمانروا بر همه هستید - سرودهای ما را  
پرسازید چون بر آن قادرید - ای میترا - وارونا - بیایید و از این ستمای پرستندگان  
بنوشید .

